



## شناسایی آبفشان‌های دریایی (Tunicata: Ascidiacea) اطراف جزیره لارک (خلیج فارس)

مهناز کردگاری\*، مجید افخمی، مریم احسان پور

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

نوع مقاله:

مقاله کوتاه

چکیده

با وجود این که گونه‌های متعددی از آبزبان در خلیج فارس گزارش شده است ولی متأسفانه تا کنون آبفشان‌های دریایی علی‌رغم اهمیت اکولوژیک آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای این منظور ۴ ایستگاه نمونه برداری در اطراف جزیره لارک انتخاب و با استفاده از عملیات غواصی نمونه برداری انجام و شناسایی بر اساس استخراج اسپیکول‌ها و شاخص‌های ریخت شناسی با استفاده از کلیدهای معتبر انجام گرفت. تعداد ۴ جنس از آبفشان‌های دریایی شامل ۲ گونه آبفشان انفرادی *Phallusia nigra* و *Pyura gangelion* و ۲ جنس از آبفشان‌های کلونی شامل *Didemnum* sp. و *Distaplia* sp. شناسایی و گزارش گردید.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۹۳/۱۱/۱۸

اصلاح: ۹۴/۰۸/۱۰

پذیرش: ۹۴/۰۹/۱۰

کلمات کلیدی:

آبفشان دریایی

لارک

خلیج فارس

### مقدمه

تونیکیات‌ها یکی از زیرشاخه‌های طنابداران با ۳ رده *Ascidiacea*، *Thaliacea* و *Larvacea* می‌باشند. آبفشان‌های دریایی که از رده *Ascidiacea* هستند دارای طول عمر کم بوده و گاهی عمر آنها به چند ماه نیز نمی‌رسد. این جانوران پس از چند هفته به بلوغ رسیده و تعداد زیادی لارو پلانکتونی تولید می‌کنند (Lambert 2001, 2002). این ویژگی به همراه نبود شکارچی و رقیب جدی برای آنها، این موجودات را جزو گونه‌های مهاجر موفق با گسترش فراوان و با قابلیت تغییر جوامع کفزی در محیط‌های دریایی تبدیل نموده است (Valentine et al., 2007). به نظر می‌رسد که فراوانی و گسترش آبفشان‌ها احتمالاً ضررهای اقتصادی نیز بر فعالیت‌های ماهی‌گیری و آبی‌پروری به دنبال داشته باشد (Bourque et al., 2007). تمامی آبفشان‌ها دو جنسی هستند، اکثر آبفشان‌های منفرد، تخمک و اسپرم خود را در آب رها می‌کنند، در حالیکه آبفشان‌های کلونی، از تخم‌ها حفاظت و آنها را پرورش می‌دهند. تعداد سلول کم، طول عمر کوتاه و ژنوم کوچک این موجودات، آنها را مدلی جذاب برای زیست‌شناسان تکوینی نموده است (Bourque et al., 2007). با وجود این که گونه‌های متعددی از آبزبان در خلیج فارس گزارش شده است ولی متأسفانه تا کنون آبفشان‌های دریایی علی‌رغم اهمیت اکولوژیک آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. با توجه به میزان آلودگی‌ها و افزایش بار مواد آلی ورودی به خلیج فارس و ایجاد شرایط مناسب برای توسعه و افزایش تراکم این گونه‌های فرصت‌طلب، لزوم شناسایی و تعیین پراکنش این گونه‌ها در اطراف جزایر و سواحل خلیج فارس بسیار حائز اهمیت می‌باشند. لذا می‌توان با انجام چنین

\* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: [m\\_kerdgar@yahoo.com](mailto:m_kerdgar@yahoo.com)

مطالعاتی، اطلاعات پایه ای و مقایسه ای را برای سایر مطالعات در آینده فراهم نمود. این مطالعه با هدف شناسایی گونه های مختلف آبفشان های دریایی در اطراف جزیره لارک در خلیج فارس انجام شده است.

### مواد و روش‌ها

جهت انجام نمونه برداری، ۴ نقطه در اطراف جزیره لارک مشخص و در هر نقطه ۲ ترانسکت به مساحت ۲۰۰ متر مربع زده شد (شکل ۱). نمونه برداری از طریق عملیات غواسی SCUBA DIVING در اعماق ۵ تا ۱۰ متر صورت گرفت. در هر ایستگاه نمونه ها از ۲ ترانسکت به ابعاد ۱۰×۲۰ متر مربع جمع آوری و موقعیت ترانسکت ها با GPS مشخص گردید. همچنین در هر نمونه برداری از آبفشان های دریایی و محیط پیرامون آنها عکس تهیه گردید. بعد از انتقال نمونه ها به آزمایشگاه از دیواره نمونه ها یک برش کوچک تهیه و پس از استخراج اوسیکل های آهکی (Ossicles)، آنها را روی لام قرار داده و زیر میکروسکوپ از نمونه ها عکسبرداری گردید. شناسایی در حد جنس و گونه و با استفاده از کلیدهای موجود انجام گرفت (Kott, 1985, 1990, 1992, 2001; Monniot *et al.*, 1991; Monniot and Monniot, 2001). تصاویر تهیه شده جهت شناسایی و تأیید نهایی جنس و گونه به متخصصین مربوطه از جمله پروفیسور Monniot از موزه تاریخ طبیعی پاریس ارسال شد.



شکل ۱. منطقه مطالعاتی در اطراف جزیره لارک

### نتایج

#### گونه *Phallusia nigra*

این گونه، مانند سایر گونه ها دارای یک پوشش نازک چرمی با لایه ای از مواد سلولزی می باشد (شکل ۲). این لایه چرمی دیواره بدن را با دو سری رگه های ورودی و خروجی آب، پوشش می دهد. تغذیه این گونه از فیتوپلانکتونها بوده که با کمک ترشحات موکوسی و از طریق سیستم فیلتراسیون انجام می پذیرد. طول نمونه های بالغ ممکن است تا ۱۰ سانتی متر نیز برسند. دیواره بدن به رنگ سیاه و گاهی اوقات قهوه ای و در صورت حضور طولانی مدت در مناطق کم نور خاکستری می باشد.

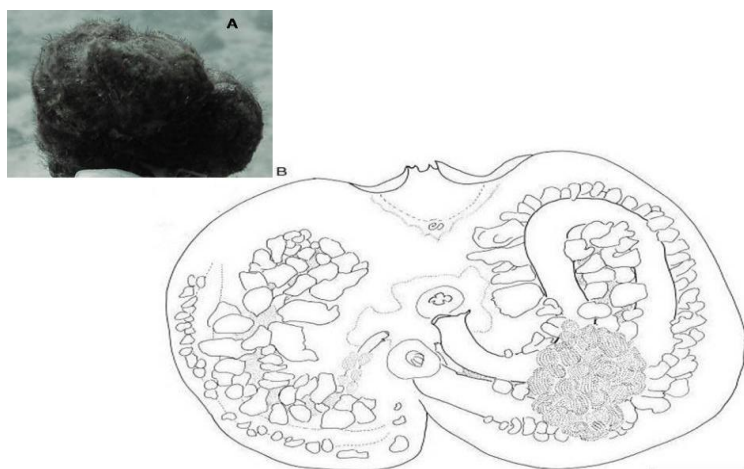
#### گونه *Pyura gangelion* (Savigny, 1816)

رنگ این گونه معمولاً قهوه ای تا قرمز تیره با رگه های زرد رنگ در اطراف سیفون ها می باشد. خارهای سیفونی معمولاً به طور منظم ولی با اندازه های متفاوت به طور پراکنده در اطراف سیفون ها قرار دارند (شکل ۳). این گونه دارای بدنی عضلانی بوده و در صورت تماس قادر است بدن خود را منقبض نموده و به سختی می توان آن را از سطحی که به آن چسبیده جدا نمود. رشته های عضلانی قوی از یک طرف بدن در ناحیه سیفون ها به طرف دیگر کشیده شده اند و تشکیل لایه پوششی یکنواخت را می دهند. در اطراف سیفون ها و سایر نواحی بدن ساختارهایی شبیه مو وجود دارند و موجب چسبیدن موجود به مرجان ها و سایر سطوح

می‌شوند. سیفون‌ها از هم جدا بوده و دارای ۴ لب می‌باشند (شکل ۳). معمولاً در آبهای عمیق تر از ۱۰ متر روی سنگ‌های مرجانی در جزیره لارک مشاهده می‌شوند.



شکل ۲. گونه *Phallusia nigra* در اطراف جزیره لارک همراه با تصاویر اسپیکول‌های میله ای و جدولی



شکل ۳. *Pyura gangelion*  
شکل A: (Savigny, 1816)  
شکل B: ظاهری از برش  
عرضی دیواره بدن، مقیاس ۱  
سانتی متر

#### گونه *Didemnum sp.*

اطلاعات به دست آمده در مطالعه حاضر در خصوص این گونه بیشتر بر اساس ویژگی‌های ظاهری و استفاده از تصاویر و نمونه‌های جمع‌آوری شده در آب‌های اطراف جزیره لارک می‌باشد. به علت فقدان اطلاعات لازم به خصوص عدم دسترسی به لارو گونه مذکور جهت استخراج اسپیکول به منظور شناسایی گونه و مقایسه تفاوت‌های آن با سایر گونه‌ها، این جنس تنها به صورت *Didemnum sp.* معرفی گردید (شکل ۴).

#### گونه *Distaplia sp.*

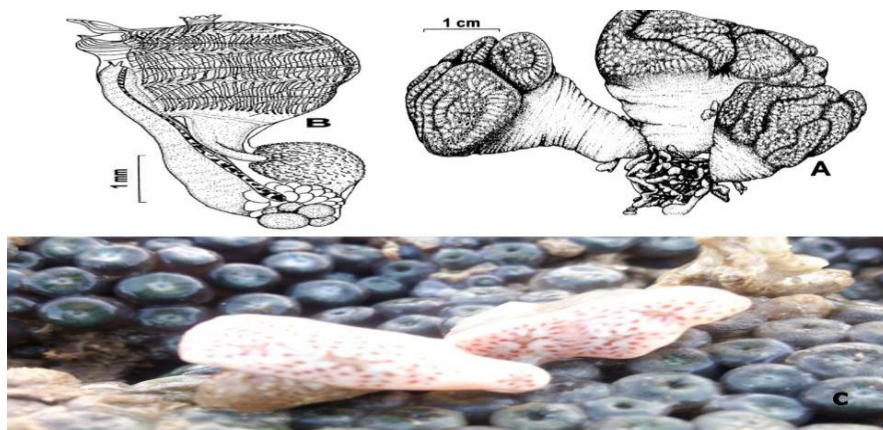
افراد این گونه به صورت کلونی‌هایی با لب‌های مخروطی شکل و به صورت فشرده از قسمت بالا در کنار هم قرار گرفته‌اند. این فشرده‌گی در قسمت پایه و محل اتصال جاندار کمتر می‌باشد. یک قسمت کلاله کوچک به عنوان زائده نیز در قسمت راس هر لب به آن متصل است. معمولاً این لب‌ها در ناحیه سر دراز و کشیده بوده که به وسیله شیارهای کم عمق متعددی به ناحیه گناده‌ها

منتهی می گردند. این ناحیه شامل چندین سیستم زیوه (Zoooid) می باشد (شکل ۵). هر سیستم دارای یک روزنه کلوآکی در مرکز می باشد. جنس دیواره بدن به خصوص در ناحیه سر در این گونه نرم و شفاف با ارتفاع کلونی ۵ سانتی متری می باشد. معمولاً هر کلونی شامل لب های متعددی می باشد. معمولاً هر لب ۵ تا ۸ میلی متر قطر داشته و شامل ۳ سیستم زیوه می باشد. هر لب به وسیله یک پایه مخروطی شکل به ناحیه سر که پهن تر است متصل می گردد. رنگ کلونی در محیط طبیعی، روشن با رگه‌های نارنجی می باشد. سیفون های تنفسی دارای ۶ لب ماهیچه توسعه یافته می‌باشند.



شکل ۴. گونه *Didemnum* sp.

در اطراف جزیره لارک



شکل ۵. گونه *Distaplia* sp.

نمای شماتیک کلونی (A)، نمای شماتیک زیوه (Zooeid) (B) و تصویر در محیط طبیعی در اطراف جزیره لارک (C).

### بحث

گونه *Phallusia nigra* آبفشان دریایی از رده Ascidiacea بوده و در آبهای مناطق گرمسیری جهان از جمله آبهای کم عمق به صورت چسبیده به هر نوع جسم سختی یافت می شود. پراکنش این گونه در دریای سرخ، غرب اقیانوس آرام و اقیانوس هند می باشد (Rocha *et al.*, 2005). پراکنش این گونه برای اولین بار در خلیج فارس در مناطق لارک، قشم، هنگام و بندرلنگه گزارش شد و بیشترین حضور این گونه در سواحل بندر لنگه می باشد که دلایل آن تردد کشتی ها، وجود موج شکن ها، بویه ها و وجود ساختارهای مناسب جهت نشست لارو می باشد (Afkhami *et al.*, 2012). پراکنش گونه *Pyura gangelion* در اطراف نواحی گرمسیری اقیانوس هند و آرام می باشد (Monniot and Monniot, 2001). معمولاً در آبهای عمیق تر از ۱۰ متر روی سنگ‌های مرجانی در جزیره لارک مشاهده شده و به عنوان گونه غالب آبسنگ‌های مرجانی اطراف این جزیره قلمداد می گردد. البته این گونه در سایر جزایر مرجانی خلیج فارس از جمله هنگام، فارور و بنی فارور نیز توسط نگارندگان مشاهده گردیده است. *Didemnum* sp. یک گونه آبفشان از نوع کلونی و مهاجم و با سرعت پراکنش بالا بوده که خاستگاه آن تا کنون ناشناخته باقی مانده است. معمولاً در

محیط‌های دریایی به صورت جمعیت‌های منفرد و با ساختارهای کوچک مشاهده می‌شوند. هم‌اکنون این جنس دارای پراکنش وسیعی در بسیاری از دریاهای جهان از جمله سواحل آمریکا، اقیانوس آرام، اقیانوس هند، نیوزیلند و حتی سواحل ژاپن بوده و به عنوان جنس غالب آفشان در بسیاری از این مناطق مطرح می‌باشد (Coutts, 2003). بر اساس بررسی منابع موجود پیشنهاد می‌گردد جهت شناسایی معتبر این گونه و گونه‌های احتمالی موجود در خلیج فارس، شناسایی بر اساس روش‌های ژنتیکی و استخراج DNA انجام گردد که با توجه به امکانات و هزینه‌های لازم، امکان اجرای این مهم در مطالعه حاضر میسر نبود.

گونه‌های متعددی از جنس *Distaplia* sp. در نقاط مختلف دنیا از جمله سواحل آمریکا، اقیانوس آرام، اقیانوس هند، نیوزیلند گزارش گردیده که شامل: *D. dubia*, *D. alaskensis*, *D. alaidi*, *D. occidentalis* و *D. systematica* بوده و هرکدام دارای وجه تمایزی در شکل و رنگ کلنی می‌باشند ولی شناسایی دقیق و تفکیک در حدگونه نیازمند مطالعات ژنتیکی و استخراج DNA می‌باشد (Kott, 1985). در مطالعه حاضر، کلونی‌های این گونه در اعماق کمتر از ۵ متر در اطراف جزیره لارک بر روی تخته سنگ‌ها و گاه‌ها روی بستری از شقایق‌های جنس *Zoantus* sp. دیده می‌شوند. جنس مورد نظر در سواحل شمالی جزیره قشم نیز بر روی صخره‌های ساحلی توسط مجریان طرح مشاهده شده است. هم‌اکنون آفشان‌های دریایی به علت دخالت انسان در حمل و نقل دریایی مثل جابجایی گونه‌های دریایی از طریق آب توازن کشتی‌های عظیم تجاری، در سراسر دریاهای جهان گسترش یافته‌اند. معمولاً این گونه‌ها رقبای جدی برای جوامع بنتوزی می‌باشند و زمانی که به یک محیط معرفی می‌شوند به سرعت با سایر گونه‌های بنتوز رقابت نموده و به عنوان گونه غالب اکوسیستم تبدیل می‌شوند. در پاره‌ای اوقات سرعت پراکنش، به گونه ایست که ساختار جوامع بنتوز موجود در منطقه دچار تغییرات شدید می‌گردد (Lambert and Lambert, 2003). اغلب آفشان‌های دریایی شوری بالای ۳۰ جزء در هزار را ترجیح می‌دهند (Vázquez and Young, 2000) که این شرایط در خلیج فارس همواره مهیا می‌باشد. همچنین با توجه به تردد بالای شناورهای تجاری در خلیج فارس و به خصوص در تنگه هرمز امکان جابه‌جایی لارو آفشان‌های دریایی از طریق آب توازن کشتی‌ها بسیار محتمل است. لذا فرضیه تنوع بالای گونه‌های آفشان دریایی قابل اثبات و تایید می‌باشد. با توجه به شرایط زیستی منطقه مورد مطالعه (جزیره لارک) و تنوع زیستگاهی در اطراف این جزیره امکان وجود گونه‌های بیشتر وجود دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد در مطالعات تکمیلی نسبت به شناسایی و گزارش سایر گونه‌ها اقدام گردد.

## منابع

- Afkhami, M., Ehsanpour, M., Forouzan, F., Bastami, K., Bahri, A.H., Daryaei, A. 2012. Distribution of ascidians *Phallusia nigra* (Tunicata: Ascidiacea) on the north coast of the Persian Gulf, Iran. *Marine Biodiversity Records*. 5: 1-4.
- Bourque, D., Davidson, J., Mac Nair, N.G., Arsenault, G., LeBlanc, A.R., Landry, T., Miron, G. 2007. Reproduction and early life history of an invasive ascidian *Styela clava* (Herdman) in Prince Edward Island, Canada. *Journal of Experimental Marine Biology and Ecology*. 342: 78-84.
- Coutts, A.D.M., Moore, K.M., Hewitt, C.L. 2003. Ships' sea-chests: an overlooked transfer mechanism for non-indigenous marine species? *Marine Pollution Bulletin*. 46: 1510-1513.
- Kott, P. 1985. The Australian Ascidiacea. Part 1: Phelobranchiata and Stolidobranchiata. *Memoirs of the Queensland Museum*. 23: 1-440.
- Kott, P. 1990. The Australian Ascidiacea. Part 2: Aplousobranchia (1). *Memoirs of the Queensland Museum*. 29: 1-226.
- Kott, P. 1992. The Australian Ascidiacea. Part 3: Aplousobranchia (2). *Memoirs of the Queensland Museum*. 32: 375-620.
- Kott, P. 2001. The Australian Ascidiacea. Part 4: Aplousobranchia (3), Didemnidae. *Memoirs of the Queensland Museum*. 47: 1-407.
- Lambert, G. 2001. A global overview of ascidian introductions and their possible impact on the endemic fauna. In: Sawada, H., Yokosawa, H., Lambert, C.C. (ed.). *The Biology of Ascidiacea*. Tokyo, Springer-Verlag. pp. 249-257.
- Lambert, G. 2002. Non indigenous ascidians in tropical waters. *Pacific Science*. 56: 291-298.

- Lambert, C., Lambert, G. 2003. Persistence and differential distribution of nonindigenous ascidians in harbors of the Southern California Bight. *Marine Ecology Progress Series*. 259: 145-161.
- Monniot, C., Monniot, F., Laboute, P. 1991. Coral reef ascidians of New Caledonia. Paris: Orstom.
- Monniot, C., Monniot, F. 2001. Ascidians from the tropical western Pacific. *Zoosystema*. 23: 201-383.
- Rocha, R.M., Faria, S.B., Moreno, T.R. 2005. Ascidians from bocas del toro, panama. I. biodiversity. *Caribbean Journal of Science*. 41(3): 600-612.
- Valentine, P.C., Collie, J.S., Reid, R.N., Asch, R.G., Guida, V.G., Blackwood, D.S. 2007. The occurrence of the colonial ascidian *Didemnum* sp. on Georges Bank gravel habitat: ecological observations and potential effects on groundfish and scallop fisheries. *Journal of Experimental Marine Biology and Ecology*. 342: 179-181.
- Vázquez, E., Young, C.M. 2000. Effects of low salinity on metamorphosis in estuarine colonial ascidians. *Invertebrate Biology*. 119: 433-444.